

# ابعاد تمدنی طوفان الاقصی و ما جرای غزه

حجت الاسلام حمیدرضا مهدوی ارفع



استاد حوزه و دانشگاه

عملیات طوفان الاقصی و جنگ غزه، ابر پدیده‌ای است که طی چند هفته گذشته در صدر اخبار دنیا قرار گرفته است و افکار عمومی جهانیان را به‌گونه‌ای کم‌نظیر تحت تأثیر خود قرار داده است اما این پدیده کم‌نظیر علاوه بر ابعاد سیاسی، امنیتی، نظامی و اقتصادی برجسته، از جهت تمدنی و نگاه کلان نیز به‌صورت خاص، محل تأمل است که استاد حمیدرضا مهدوی ارفع از اساتید مطرح حوزه و دانشگاه، در این یادداشت تحلیلی، به بررسی این بعد مهم عملیات طوفان الاقصی و در ادامه جنگ غزه پرداخته است.

ماجرای غزه را از سه دیدگاه می توان تحلیل نمود:  
**نخست: از دیدگاه انسانی و عواطف بشردوستانه**  
از این دیدگاه، فاجعه ای انسانی در مقیاسی گسترده در حال وقوع است که قلب هر انسانی بما هوانسان، فارغ از مسلمان و غیرمسلمان، دین دار و بی دین، سیاه و سفید، ایرانی و آمریکایی و حتی همجنس گرا و... را از جنایات کم سابقه رژیم صهیونیستی به درد می آورد. از آنجاکه عواطف انسانی، بی قید و شرط ترین مبنای تحلیل وقایع این چنینی است؛ بنابراین عامل بزرگ ترین نوع اتحاد جهانی علیه ظالم شده است که خود را در قالب تظاهرات و بیانیه ها و... نشان می دهد. از ثبت نام نمادین ۱۰ میلیون ایرانی در پویش «حریت منم» گرفته تا راهپیمایی چندصد هزار نفری در واشینگتن و مواضع قاطع دیپلماتیک برخی دولت های آمریکای جنوبی.

اما نگاه به ماجرای غزه، از بعد عواطف انسانی اگرچه بسیار مهم است و باید با هر روش و ابزاری این آتش برآمده از خشم ملت ها را برافروخته نگه داشت ولی اول اینکه برای مدت طولانی ماندگار نیست و آرام آرام در مسائل روزمره زندگی و تحت الشعاع اخبار و حوادث دیگر، کم رنگ خواهد شد و دوم اینکه با القای شبهات و جنگ روانی، دستگاه عظیم تبلیغاتی دشمن، قابل زوال است؛ مانند تأثیری که خبر دروغ انهدام بیمارستان کودکان توسط حماس!! بر موج نفرت ملت ها از رژیم صهیونیستی گذاشت و بخشی از مردم جهان را از حماس متنفر کرد.

### دوم؛ از دیدگاه سیاسی

از دیدگاه سیاسی ماجرای طوفان الاقصی و حوادث پس از آن می تواند معادلات سیاسی حکومت ها را

برهم بزند و روند ادامه نظم کنونی و دهکده جهانی را متوقف و یا حتی کاملاً لغو کند؛ زیرا دفاع از ظالم و عمق و گستره ظلم آشکار رژیم صهیونیستی، بیشتر دولت ها را در حمایت از این رژیم، دچار چالش اساسی کرد. برخی دولت ها به صورت رسمی، سفارتخانه خود را در اسرائیل تعطیل کردند و برخی دیگر نیز از ترس ملت خود، رفتارهای مشابهی انجام دادند و حتی سازمان ملل متحد نیز وادار به موضع گیری شد. اما نگاه سیاسی به صحنه - که باید به نفع جبهه مقاومت و علیه نظام سلطه، حفظ و پررنگ شود - در نهایت یک نگاه مبتنی بر هزینه - فایده ملی است و در میان مدت می تواند به چالش دولت هایی مثل جمهوری اسلامی ایران با بخشی از نخبگان و توده جامعه که منافع ملی (به معنای نازل آن) را بر هر چیزی ارجح می دانند، تبدیل شود؛ درست مانند موجی که سخنان اخیر محمد جواد ظریف و صادق زیباکلام در جامعه ایجاد کرد و احتمالاً در آینده هم تکثر و هم گسترش پیدا خواهد کرد!

### سوم؛ از دیدگاه تمدنی

اما از دیدگاه تمدنی، صحنه کاملاً متفاوت و بسیار باشکوه است. در روزگار سیطره قدرت غرب و لابی صهیونیستی، در هیاهوی دهکده جهانی که به لطف جهت گیری های معنادار سازمان های بین المللی و امضا و تحمیل اسناد و معاهدات بین المللی در حال پیگیری است و در زمانه ای که غرب به راحتی قدرت اقتصادی و نظامی مطرحی همچون روسیه را با تحریم های بی سابقه، دچار چالش های اساسی می کند و... گروهی جهادی، در باریکه ای تحت سیطره و محاصره رژیم صهیونیستی، دست به اقدام حساب

هم کوبیدیم». حماس و ملت قهرمان غزه هم در این حماسه باشکوه، ابهت پوشالی رژیم صهیونیستی و آمریکا و اروپا را در هم شکستند. آن‌ها نقاب از چهره نفاق آلود تمدن غرب برداشتند و عمق سفاهت و خباثت و دنائت تربیت‌یافتگان این تمدن را به بشریت نشان دادند.

بنابراین، همان‌گونه که حضرت روح‌الله فرمود: «ما در جنگ حتی برای یک لحظه از عملکرد خود پشیمان نیستیم. ما در جنگ انقلاب اسلامی، خود را به جهان صادر کردیم».

طوفان الاقصی هم برای یک لحظه ندامت و پشیمانی در پی نداشت و روح مقاومت و استکبارستیزی را به جهان صادر کرد.

شده و غافلگیرکننده ای موسوم به طوفان الاقصی می‌زند و تا امروز قریب به ۵۰ روز در برابر حملات وحشیانه همه جانبه با استواری تمام ایستاده اند.

نه رزمندگان حماس در این مدت از خود ضعف نشان داده اند و نه مردم مظلوم غزه، ذلت تسلیم را پذیرفته اند و این همان تمدن هیئات من الذله است که از دهم محرم ۶۱ هجری قمری آغاز شد و هر ملت و شخصیتی که این پرچم را بر تارک تاریخ خود نصب کرد، جاودانه تاریخ شد.

آری! حماسه غزه، باشکوه ترین تقابل گفتمانی بین تمدن غرب سلطه گر با تمدن نوین سلطه ستیز است. همان‌گونه که حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه درباره آثار و برکات دفاع مقدس - در مقابل شبهه افکنی برخی فریب‌خوردگان - فرمودند: «ما در جنگ، ابهت ابرقدرت های شرق و غرب را در



Photo: Received



همچنین آسیب های انسانی و مادی وارد شده بر غزه را شکست غزه و پیروزی اسرائیل معنا خواهند کرد و نتیجه خواهند گرفت که مقاومت در این شرایط، خطای محض بوده است و نتیجه ای جز خسارت های بیشتر در پی نداشته و نخواهد داشت.

سؤال بنده از این مغزهای کوچک زنگ زده این است: بر اساس مبنای شما، آیا حضرت زهرا سلام الله علیها شکست خورد؟

آیا سیدالشهدا علیه السلام شکست خورد؟  
آیا حضرت در برابر فشار یزید باید کوتاه می آمدند؟  
اگر چنین است پس چرا قرن ها آزادگان جهان - فارغ از مذهب و ملیت و جغرافیا از گاندی و جواهر لعل نهرو تا امام خمینی (ره) و... - قیام سیدالشهدا علیه السلام را سرمشق قیام ها و جنبش های اصلاحی خود قرار دادند؟

ضرورت هشیاری نخبگان در صیانت از ادبیات  
پایداری

یکی از میدان های حساسی که باید نخبگان در این برهه حساس آن را دریابند، میدان تحریف ادبیات مقاومت است.

به شما قول می دهم به زودی روشنفکرها، غرب زده ها و غیرانقلابی ها با تنزل دادن واژه هایی مانند شکست و پیروزی، عقلانیت و مصلحت، واقع بینی و آرمان گرایی و... صحنه مقاومت قهرمانانه ملت غزه را وارونه جلوه خواهند داد.

در این تحریف حرفه ای، طوفان الاقصی به عنوان آغاز فتنه و عامل اصلی قتل عام مردم غزه معرفی خواهد شد و حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی، به عنوان حق دفاع از خود و انتقام از تروریست بیان می شود!